

انتقام کشی از توده ایها، ناتوانی و شکست ج.ا.ا. در جبهه های جنگ جبران نمی کند!

بقیه از صفحه ۱

انقلاب و میلیون ها انسانی که در زیر سرپرستی سرین اختناق ایران بسر می برندن، نه به دست د ولت مردانی مردم دوست، استقلال طلب، خواهان برقراری عدالت اجتماعی و شیفته آزادی، بلکه در پد ضحاکانی است که انتقام کشی از دستداران مردم، مدافعان استقلال و تأمین عدالت و پشتیبانان راستین آزادی های فردی و اجتماعی تنها آماجی است که پیش رو دارند و برای دستیابی به آن، از هیچ جنایتی فروگذار نمی کنند. آنان بنا قتل عام توده ایها، جنون ناشی از شکست های مذبحخانه خود را تسکین می بخشند، با خون توده ایها، وضو می گیرند و پیر آستان امپریالیسم به نماز می ایستند. آنان را قربانی می کنند تا جنگ افزارهای مرگ بار بیشتری از امپریالیسم دریافت کنند. مجز و ناتوانی خفت بار خود را در عرصه های جنگ، برای دست یافتن به " پیروزی نهائی "، در زندان

های اوین و کیته" مشترک و قزل حصار و ... میدان های تیر جبران می کنند و خشم د وزخی شان را از شکست در عملیات " والفجر - ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ - " تا بی نهایت - با عباره " زندگی توده ایها فروشانند!

بیهوده نیست که آغاز عملیات والفجر - ۱ " در سال گذشته با یورش بهیمی و گسترده به حزب توده " ایران هم زمان می شود و امسال نیز " والفجر - ۶ " با تیرباران کردن ۱۰ تن از اعضای حزب توده " ایران مصادف شده است.

حاکمان سپاه دل ج ۱۰، هرگز این " گناه بزرگ " و بزرگ ترین " جرم " را بر حزب توده " ایران نمی بخشایند که به عنوان اولین نیروی سیاسی، پس از فتح خرمشهر، با واقع بینسی و آینده نگری استوار بر تحلیل مشخص علمی اعلام کرد: ادامه جنگ جز تقویت سیاست های تشنج -

فزایانه امپریالیسم و فرسودن توان انقلاب، شمشه د یگری در برنخواهد داشت. با گفتگو، به جساء گلوله و آتشبار و موشک ... به این " برراد کشی " بی سرانجام پایان دهید. واکنش دولت مردان اسیر در پنجه گرایشات عظمت طلبانه تجاوزکارانه، عکس العملی بود که تنها امپریالیسم به وجد آورد: یورش به حزب توده " ایران د سنگبری، شکنجه و قتل عام توده ایها و گلگون کردن کیلومترها زمین بی بار و بایر خاک عراق از خون جوانانی که در آرزوی سازندگی بودند. ج ۱۰ به کار ویرانی وادار شان ساخته بود. به زعم حاکمان ج ۱۰ " گناه کبیره " و " جرم نابخشودنی " توده ایها، واکنش سنگین تر شده است. زیرا هر روز توده وسیع تری به درستی نظرات و تحلیل های حزب پی می برد و از شرکت در این بازی مرگ آفرین پرهیز می کند. شکست های پی در پی " والفجری "، که ضعف فلاکت بار سردمداران جنگ طلب ج ۱۰ را به جنون انتقام کشی از متادیان صلح، منتهی ساخته است، به مثابه شاقول " عدالت " و " داری " آنان عمل می کند. بر اساس همین بنیش است که آنان شکست " عملیات والفجر - ۶ " را با خون پاک توده ایها تطهیر می کنند و به آن نام " پیروزی بر کفر " و " مبارزه با شرق " می نهند. از همین روست که رفیق آذرفر را به جوخه اعدام می سپارند - در گفته های او، جوهر دفاعیات توده ایها تبلور یافته است:

" بنده برای تیرنه از خودم دفاع نمی کنم. در مورد جنگ، باز سیاستی که حزب از طریق نشریاتش اعمال می کرد تا لحظه ای که جنگ يك حالت تدافعی داشت، حمایت بی چون و چرزا بود. ولی بعد از شکست مفتضحانه قوای صدام در خرمشهر، به این نتیجه رسیده بود که عراق يك کشوری است که با تحریکات کشورهای امپریالیستی، جنگ فرسایشی را بر ایران تحمیل کرده و باید هر چه زود تر این جنگ تمام شود. " ج ۱۰ در این قتل عام و شبیخون به زندگی و جان خیرد و تلاش ایثار گرانه توده ایهای پیکار جو که توشه راه و کار و نبرد بهترین فرزندان این سرزمین است، به عبث سب و ایثبات " حقانیت " خود را در سر می پروراند. این گونه انتقام کشی های سبعانه، تنها ترجمان زوال نیروهای است که از آینده " تیسرهای که انتظارشان را می کشد، پروا دارند. آرمان های ولای حزب توده " ایران، آندیشه های انسان دوستانه و کارنامه پر رنج و خونینی که تاریخ از رهگذر سالیان دیر پای مبارزه برای تأمین خواست ها و نیازهای مردم، رهائی از بندگی امپریالیسم و تحقق آزادی های فردی و اجتماعی به نام حزب توده " ایران نگاشته است، چندان بر نیروی مردم و توان توده ایها خواهد افزود که مرگ در پرتوی آن سایه ای بی رنگ است.

اعلامیه

کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره اعدام ده تن از افسران میهن پرست و اعضای حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

انگیزه شرکت خود در مبارزه سیاسی اعلام نمودند. این میهن پرستان که به جوخه های اعدام سپرده شدند به شهادت همگان سهم بسیار مؤثری در دفاع از استقلال کشور و عقیم ساختن توطئه های ضد انقلاب و عمال محلی امپریالیسم داشتند. آنان مانند دیگر میهن پرستان ایران پایان جنگ خانمانسوز و دستیابی به صلح شرافتمندانه را برای نجات جان صدها هزار جوان ایرانی، برای جلوگیری از ویرانی شهرها و روستاها و کشتار ساکنان بی گناه آنها ضرورت عاجل می دانستند.

تصادفی نیست که اعدام این میهن پرستان با ماجراجویی نوتی هواداران ادامه جنگ در حاکمیت و با آغاز حملات جدید آنان هم زمان است. محافل ارتجاعی با اعزام میهن پرستان به قربانگاه می کوشند تا موج فزاینده و فراقیر مخالفت با ادامه جنگ را در درون جامعه و در نیروهای مسلح خفه کنند.

نیروهای دمکراتیک و آزادی خواه ایران و دیگر نقاط جهان به خوبی پی برده اند که میهن پرستانی که تا کنون به جوخه های اعدام سپرده شده اند و یا زیر شکنجه های دشمنانه به قتل رسیده اند، مانند صدها هزار زندانی سیاسی محکوم شده و یا در انتظار صدور احکام جاپرانه، در مجموع قربانی یکی از توطئه های بزرگ ضد بشری سازمان جاسوسی سیا در ایران هستند.

در حساس ترین لحظات تاریخ میهن یلا کشیده ما، هنگامی که جامعه با مشکلات عظیم اجتماعی و اقتصادی در کشور و یا تهدید آشکار تجاویز نظامی امپریالیسم آمریکا روبروست، خصومت با حزب توده " ایران که با سنت ترین و جدید ترین نیروی مدافع زحمتکشان است و تشدید بی سابقه کارزار تبلیغاتی علیه اتحاد شوروی همسایه ما و محکم ترین تکیه گاه نیروهای ترقی خواه و تحول طلب جهان مفهومی جز ایجاد شرایط مناسب برای فعالیت ضد انقلاب و احیای مواضع امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا نمی تواند داشته باشد.

کمیته مرکزی حزب توده " ایران اقدام دد - منشانه محافل سرکوبگر دولتی ایران را به شدت محکوم می کند و از همه نیروهای دمکراتیک و ترقی خواه می طلبد تا صدای اعتراض خود را علیه جنایاتی که در میهن ما در جریان است بلند کنند.

خاطره تابناک میهن پرستانی که به دست عمال ارتجاع به شهادت رسیدند در قلوب زحمتکشان و مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی برای همیشه زنده خواهد ماند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳ اسفند ۱۳۶۲

خشم و نفرت، اعتراضات گسترده مردم متری جهان را علیه اعدام توده‌های های در بند، به اوج می رساند

بقیه از صفحه ۱

هنگامی صورت گرفت که اعتراضات نیروهای دمکرات و پیشرو جهان علیه بیدادگری‌های استبداد حاکم بر مین ما هر روز اوج تازه‌ای می‌گیرد و خواست قطع فوری پیگرد ها و شکنجه‌ها علیه توده‌های های در بند و د پگر زندانیان سیاسی ضد امپریالیست با تأکید بیشتری مطرح می‌شود .
ما در این شماره " راه توده " نیز بخش هایی از این اعتراضات جهانی علیه بیدادگری های بربرمنشانه حکام ج ۱۰۱۰ را درج می‌کنیم .

آلمان فدرال

موج اعتراض نسبت به صدور احکام اعدام و زندانهای طول مدت علیه افسران مین و دست و اعضای حزب توده ایران در شهرها و ایالات مختلف آلمان فدرال بالا گرفته است .
نیروهای دمکرات و آزادی خواه این کشور ، طی ارسال پیام‌ها، صد و قطعنامه‌ها و ارسال تلگرام ها و نامه‌های اعتراضی به مقامات مسئول ج ۱۰ ، صدور احکام جابرانه در مورد افسران مبارزان راستین راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی ایران را محکوم کرده‌اند .

نیست، تنها به درج اسامی شخصیت‌ها ، سازمانها و گروههای نام برده مبادرت می‌ورزد :
• هیأت مسئولین سازمان جوانان سوسیالیست آلمان در کلن • پارلمان دانشگاه کلن • کمیسیون دانشگاه کلن ، مربوط به امور دانشجویان خارجی • لیست آلترناتیو (گروه سبزها) در کلن • اتحادیه دانشجویان مارکسیست مدارس عالی آخن • رئیس، فعالین و اعضای شورای سند یکای کارگران فلز کار هاگن • نایب رئیس سند یکای کارگران چاپخانه هاگن
• رئیس اتحادیه کارگران صنایع شیمیائی هاگن • مسئول شعبه حزب کمونیست آلمان در هاگن • مسئول و کادرهای سازمان جوانان سوسیالیست کارگر آلمان در هاگن • رئیس سازمان ضد فاشیست ها در هاگن و نویسندگان متری این شهر • شعبه‌های حزب کمونیست آلمان در بوخوم و نورنبرگ .

هندوستان

مخالف متری هندوستان ، به دنبال اعلام خبر صدور احکام اعدام و زندانهای طول مدت علیه افسران مین و دست و اعضای حزب توده ایران ، به اعتراضات وسیعی دست زد .
از جمله این اقدامات اعتراضی ، می‌توان به جلسهای اشاره کرد که توسط اتحادیه کارگران ، روزنامه‌نگاران ، سازمان جوانان و رهبران سیاسی



تظاهرات اعتراضی سازمانها و نیروهای متری اسپانیا علیه رأی بیدادگاه‌های ج ۱۰ .



اسپانیا

در تظاهرات با شکوهی که به ابتکار کمیته همبستگی با زندانیان دمکرات ایرانی و دهها حزب و سازمان و جمعیت متری از جمله ، حزب کمونیست کاتالونیا ، حزب سوسیالیست متحد ، کاتالونیا ، سازمان جوانان کمونیست کاتالونیا ، جمعیت زنان سوسیالیست ، سند یکای کارگری حزب ناسیونالیست چپ ، حزب جمهوری خواه چپ ، حزب کمونیست کارگری کاتالونیا ، کلوب زنان و چندین سازمان متری . دیگر در روز ۱۷ فوریه (۲۸ بهمن) در بارسلون برگزار شد ، صد ها نفر از نیروهای متری در آن شرکت کردند .
شرکت کنندگان در این تظاهرات یکپارچه اعتراض خود را علیه رأی بیدادگاه‌های ج ۱۰ بلند کردند و همبستگی پایدیشان را با زندانیان توده‌های اعلام داشتند . در پایان این تظاهرات بیانیه‌ای اعتراضی توسط مسئول کمیته همبستگی در کاتالونیا ، دکتر ساريس خوانده شد و سپس از آن تحویل مسئول سازمان ملل متحد در کاتالونیا گردید .

برجسته و با شرکت گروه کثیری از دمکرات های این کشور ، در د هلی نو برگزار گردید که طی آن جنایات فجیع حاکمیت ارتجاعی ج ۱۰ علیه مبارزان ضد امپریالیست ایران محکوم گردیده است .
بقیه در صفحه ۱۵

" راه توده " ضمن ابراز تشکر از همبستگی عمیق نیروهای متری این کشور با عرض پوزش از این که به علت گسترش اقدامات دفاعی در نجات جان این مین دست و ستان و تراکم مطالب ، قادر به چاپ متن کلیه پیام ها ، نامه‌ها و تلگرام‌های اعتراضی آنان

گامی دیگر در مرداب جنگ توسعه طلبانه

معامله گری تسلیم طلبانه سران ج.ا.د در برابر تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا به مرزهای آبی میهن ما

(۸۴)

معامله گری سیاسی با امپریالیسم آمریکا، در جامه پرخاشگری عوام فریبانه

از زمان چرخش به راست نهایی حاکمیت ج.ا.د در بهمن ۱۳۶۱ تا به امروز مناسبات رو به بهبود ج.ا.د و امپریالیسم هار آمریکا مراحل مختلفی را گذرانده است .

عدول از انجام تحولات بنیادی ، و یورش لجبانه گسیخته به حزب توده ، ایران ، و تیرگی مصنوعی مناسبات با اتحاد شوروی ، بقدمه بهبود روابط ایران و امپریالیسم آمریکا بود . طی ۹ ماهه نخست سال ۶۲ میل کالاهای و سلاح های امپریالیستی ، از ایالات متحده و کشورهای امپریالیستی دیگر و دست نشانده امپریالیسم به ج.ا.د سرازیر شد . نوسازی وابستگی اقتصادی و نظامی بنده امپریالیسم گسترش پیدا کرد . ج.ا.د برای جبران خسارت های انحصارات آمریکایی در انقلاب بهمن ، نزدیک به یک میلیارد دلار فرامست به این شرکت ها پرداخت ، و همسویی و همسانی سیاست های ج.ا.د با سیاست های امپریالیستی اوج گرفت .

در این دوره سران ج.ا.د تلاش داشتند با تسلیم به مطامع امپریالیسم و خوش خدمتی در راه تأمین منافع آنان ، نظر موافق امپریالیسم آمریکا را برای قطع پشتیبانی از رژیم صدام و فروش سلاح های استراتژیک به ج.ا.د جلب کنند . آقای خاتمی خطاب به دولت رواند ریگان می گفت :

" قدرت های بزرگی که در شورای امنیت عضویت دارند ، باید بتوانند باردیگر حسن ظن ما را جلب کنند " (اطلاعات ۸ شهریور ۶۲)

و نخست وزیر ، خواهان شرکت ج.ا.د در بیان نظامی دست نشانده گان امپریالیسم در ششورای همکاری خلیج فارس می شد :

" اگر هدف اینست که ملت های تمام کشورهای حوزه خلیج فارس با هم در حالت مسالمت آمیز زندگی کنند ، پس باید این طرح را توسعه داد و کامل نمود و این طرح کامل نمی شود مگر اینکه ج.ا.د به عنوان مهم ترین و قوی ترین کشور منطقه در آن مشارکت داشته باشد " (اطلاعات ۲۴ شهریور ۶۲)

روح سیاست ج.ا.د در این مرحله در ایسن پیام به امپریالیسم آمریکا خلاصه می شد :

" دست از حمایت صدام بردارید و از مسالمت آمیز زندگی کنید ، ما منافع شما را بهتر برآوردیم خواهیم کرد " !

خوش بینی سران ج.ا.د نسبت به پیشبرد بقیه در صفحه ۶

آمریکایی به فرماندهی ناو هواپیمای بر میدوی و ۲۰ رزما و انگلیسی در مرزهای آبی میهن ما ، به عنوان زاندار امنیت تنگ هرمز ، مانع آنها از نزدیک شدن واحد های نظامی ایران به این منطقه ، و تهدید گستاخانه تجاوز نظامی و آغاز عملیات جنگی امپریالیسم آمریکا علیه ایران - که سران ج.ا.د در باره آن سکوت کرده اند - نشانه بارز دیگری بر حقانیت هشدار مسئولان حزب ماست . روز هفتی اسفند ، خبرگزاری ها گزارش دادند که یک رزما و آمریکایی چند موشک بسوی یسک هواپیمای ایرانی که از نزدیکی آن عبور می کرده است ، شلیک کرده است . همین رزما و به یسک کشتی نظامی ایران که از منطقه ای در تنگه هرمز که از سوی فرماندهی آمریکایی منطقه (؟) ممنوعه اعلام شده است می گذشت ، فرمان داد که از این منطقه دور شود . و کشتی ایرانی نیز این فرمان را اطاعت کرد (!)

در طول سالهای پس از انقلاب ، آمریکا تنها هرگز با چنین گستاخی خیره سرانه ای حقوق حاکمیت ملی مردم ما را نقض و نظامیان میهن - دست ایرانی را تحقیر نکرد ماند .

از سوی دیگر رواند ریگان رسماً اعلام کرد که امپریالیسم آمریکا به هر قیمتی از سد شدن تنگه هرمز جلوگیری خواهد کرد . استانیفیلد ترنر رئیس سازمان سابق سیا نیز در مصاحبه ای با مجله " کویتی " الوطن " گفت که اگر ج.ا.د به تهدیدات خود جامه عمل بپوشاند و تنگه هرمز را ببندد ، آمریکا به قلب ایران حمله خواهد شد . (رادیو اسرائیل ۲۵ فوریه ۸۴)

سران ج.ا.د که با تسلیم طلبی آشکار در باره عملیات جنگی امپریالیسم آمریکا در مرزهای آبی میهن ما سکوت کرده اند ، اینک که تهدیدات عوام فریبانه و از اساس نادرست آنان به تهدید آشکار نظامی آمریکا انجامیده است ، راه کرنش و عقب نشینی از مواضع پیشین برای اجتناب از برخورد جدی با امپریالیسم آمریکا را برمیگزینند . در حالی که پیش از این ج.ا.د مدعی بود که در صورت بعباران تأسیسات نفتی ایران در خوارک ، تنگه هرمز راسد و د خواهد کرد ، اینک آقای خاتمی می گوید :

" حرف ما از اول همین بود ما ست و خواهد بود که تا وقتی که کشتی های ما از تنگه هرمز عبور کنند ، یا کسی کاری ندارد " (؟) (نماز جمعه - ۵ اسفند ۶۲)

بمبوهه نیست که محافل امپریالیستی اعلام می کنند :

" آمریکا از لفاظی های تهدید آمیز ایران به اندازه سال پیش نمی ترسد " (تایمز ۲۳ فوریه

بقیه از صفحه ۱
شعله های جنگ ، با کسب این یا آن پیروزی کوچک و بزرگ نظامی موفق خواهند شد بن بست نظامی جنگ را در هم شکنند . در جهان امروز دوران کشور گشایی نظامی دیربست که سپری شده است و کشور گشایان ج.ا.د سرنوشتی بهتر از اسلاف رنگارنگ خویشان دارند . جنگ توسعه طلبانه ایران و عراق مدت است که به باتلاقی برای شوونیست های کشور گشای ج.ا.د تبدیل شده است ، که با هر گام پیشروی ، آنان را پیش از پیش به کام خود فرو می کشد .

شواهد مختلف حاکی از آن است که سیاست حاکمیت ج.ا.د همچنان سران دارد که سیاست جنون آمیز و مرگ آفرین و فاجعه بار خود را ادامه دهد . این سرنوشت همه روی برتاقتان از خلق است که با واقعیات سرسخت و قانونمند به ستیزه محکوم به شکست بر خیزند . آقای رفسنجانی گفته است :

" با این عملیات علی رغم وسعت و عظمت تازه اول کار است " (رادیو ایران - ۷ اسفند ۶۲)
لجناجست غیر منطقی سران ج.ا.د در ادامه بی سرانجام این جنگ خانمانسوز ، نشانه بین - بست سیاسی حاکمیت درمانده در بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی عمیق میهن ماست . آنان که با روی گرداندن از آماجهای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب بهمن ، با غلیان ناراضی و زخم کشان روبرو هستند ، نیک می دانند که با اعتراف به شکست سیاست جنگی شوونیستی و کشور گشایانه خویش ، به ورشکستگی سیاسی خویش اعتراف کرده اند . از این رو تنها راه نجات خویش را در ادامه این جنگ فرسایشی که جز بده سود امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه و زمین داران بزرگ ایران نیست ، می بینند .

امپریالیسم آمریکا برنده اصلی جنگ و زاندارم تنگه هرمز

مردم ما به یاد دارند که حزب توده ایران و سازمان برادر ، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مدت ها پیش ، در سرازاز رود نیروهای عراق در تابستان ۱۳۶۱ ، هشدار دادند که ج.ا.د با این اقدام در جنگ فرسایشی دراز مدتی درگیر خواهد شد که بیش از همه به سود امپریا - لیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا تمام خواهد شد .

امروز ، صرف نظر از نوسازی و احیای وابستگی اقتصادی و نظامی ج.ا.د به امپریالیسم جهانی که در درجه نخست به بهانه ضرورت های ناشسی از جنگ انجام گرفته است ، حضور نظامی ۳۱ رزما و

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

راديو مسكو!

سرکوب ظالمانه حزب توده ایران را محکوم می کند!

۱۰ تن از اعضای حزب توده ایران که قبلا به اعدام محکوم شده بودند، تیرباران شدند . زبان از ابراز خشم و انزجار نسبت به سرکوب ظالمانه این افسران میهن دوست بی گناه که به دستور مقامات قضائی ایران اعدام شدند، عاجز است . شکی نیست تراژدی ای که در تهران روی داد، به مثابه نمونه سرکوب ظالمانه انسانهای دارای عقاید سیاسی متفاوت، از طرف مقامات قضائی ایران، در تاریخ ثبت خواهد شد .

ضروری است گفته شود این واندالیسم قضائی به هیچ روی به پایان نرسیده است . بیهوده نیست که در تبریز و شیراز و کرمان و بندر بوشهر و همچنین در ۴ شهرستان مرکزی، اراک و خمین و محلات و دلجان، دادگاههای فرمایشی ترتیب داده شده است . آشکارا گفته می شود تمام این به اصطلاح محاکمات، به دستور مقامات بالا و مطابق دستورالعمل ویژه شورای عالی قضائی برگزار می شود .

صدها تن از اعضای حزب توده ایران و طرفداران آن که دستگاه های تبلیغاتی رسمی ،

دانیام، حکم اعدام ده تن از آنان هم اکنون به موقع اجرا گذاشته شده است . این مجازاتها اعتراضات شدید و گسترده محافل اجتماعی جهان را برانگیخته است .

چندی پیش، سازمان بین المللی حقوق دانان دمکرات، بیانیه ای منتشر ساخت و اعلام کرد هنگام محاکمات در تهران، اعلامیه عمومی حقوق بشر و اعلامیه عمومی اسلامی حقوق بشر که بر اساس مفاد آنها حق متهمین برای دفاع حقوقی در نظر گرفته شده لغو گردیده است .

ظاهرا محاکمات فرمایشی اعضا و طرفداران حزب توده ایران در استانهای کشور نیز در شرایط مشابهی جریان پیدا می کند . از این رو محافل اجتماعی ترقی خواه سراسر جهان با نگرانی عمیق، جریان این محاکمات را دنبال می کنند و با خشم و انزجار نسبت به جبر و تعدی و ظلمی که در حق میهن و دستان ایرانی، این مدافعان مسالحتی توده های وسیع مردم، اعمال می شود، اعتراض می کنند .

آنان را " جاسوس " می نامند، به عنوان " متهم " در این محاکمات حضور دارند . روشن است که سرکوب ظالمانه طرفداران حزب توده ایران ادامه دارد و مسئله بدینجا ختم نمی شود .

بر کسی پوشیده نیست که میتکران اقدامات جبارانه پر امانه ای که علیه حزب توده ایران و سازمانهای ترقی خواه دیگر صورت می گیرد سعی دارند مسئولیت اعمال غیرقانونی خود را که مخایر با قانون اساسی است به پای مقامات قضائی استانهای کشور بنویسند و چنین وانمود سازند که گویا خود مردم، اعضای این حزب را محاکمه می کنند . ولی همه تلاش آنها عیب و بیهوده است .

چنانکه می دانیم این افسران میهن دوست که به پای میز محاکمه کشانده شده اند، اتهامات شرکت در توطئه علیه ج ۱۰۱۰ را شنیدند . رد کردند و خصمت میهن دوستانه و دما مبریا لیستی مبارزه خود را در دفاع از انقلاب خاطر نشان ساختند . با وجود این، علیه ۱۳ تن از این افسران حکم اعدام صادر شد و ۸۷ تن به دوره های مختلف زندان، محکوم شدند . چنانکه می-

می آورد، دادگاهی که در آن زمان ۲۷ نفر از اعضای نظامی حزب توده ایران را به اعدام محکوم کرد . اعدام های اخیر رنگ خطری است برای جان هزاران کمونیست که اکنون به همین اتهامات ساختگی در زندانها به سر می برند . " اعترافات " تلویزیونی که زیر شکنجه های سبعانه از زندانیان گرفته شده، نشان دهنده روزهای سختی است که در پیش است .

سپس روزنامه با اشاره به خقان، حاکم پر ج ۱۰ و تلفات سنگین انسانی و خسارات مالی ناشی از جنگ، نتیجه می گیرد، می سازد که:

حاکمیت ج ۱۰، نه تنها طوعی برای مردم ایران به ارمغان نیاورده، بلکه باید هنوز در انتظار شیخی بسیار سیاه بود .

در تاریخ مبارزات مردم ایران، قهرمانانی هستند که حتی بر مرگ پیروز شدند و در تشدید این مبارزات نقش مهمی ایفا کردند . از آن جمله می توان از خسرو روزه، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران نام برد که " قضات " دادگاه را مورد خطاب قرار داد و گفت:

" ممکن است من زنده بمانم و استقامت سوسیالیسم در ایران را بنهیم، ولی می دانم که به زودی اوضاع تغییر خواهد کرد . . . تمام فعالیت من برای ساختن جامعه نوینی در ایران است که در آن خوشبختی، آبرو، شرافت و آزادی ملت من تضمین شده باشد ."

خسرو روزه در ۱۱ ماه ۱۹۵۸ تیرباران شد . شاه طی سالیان دراز توانست روی حمایت آمریکا حساب کند .

اومانیه با اشاره به سخنان " ضد بقیه در صفحه ۱۶

سرمقاله روزنامه اومانیه 'l'Humanité'

والفجر - ۶

نیز آغاز " والفجر - ۶ " با تیرباران ۱۰ تن از آنان همراه گردید .

انقلاب ایران به وسیله حاکمیتی که وجهه مشخصه آن، تاریک اندیشی قرون وسطائی است به گراهی کشیده شده است . این بیدادگری که کمونیستها از قربانیان آن هستند (کسانی که حرمشان، حزب توده ایران هدف اصلی خقان دیکتاتوری شاه بود) به طور درد آوری انقلاب ایران را مورد حمله قرار داده است .

اومانیه سپس با اشاره به مبارزات چند دهه حزب توده ایران می نویسد:

صد ها تن از اعضا و فعالین حزب توده ایران، در نبرد با امپریالیسم و برای آزادی در ایران، به وسیله ساواک - گشتاپوی - شاه، به زندان افکنده شدند، شکنجه دیدند و به قتل رسیدند .

۱۰ نفر در دادگاه به (جرم) عضویت در سازمان نظامی حزب توده ایران محکوم شدند . در بین آنها، سرهنگ و فرمانده نیروی دریایی هم دیده می شدند . حکم اعدام آنها در ماه دسامبر و ژانویه گذشته از سوی یک دادگاه نمایشی، پشت درهای بسته، با سلب حق دفاع از متهمین صادر گردید .

شکنجه، اعترافات ساختگی و اتهامات " جاسوسی "، دادگاههای ساواک را به خاطر

روزنامه اومانیه، ارگان حزب کمونیست فرانسه سرمقاله شماره ۸۸، استوخودرا به بررسی نتایج شوم " عملیات والفجر - ۶ " و پیوند آن با اعدام ظالمانه افسران و اعضا حزب توده ایران اختصاص داده است .

" راه توده " به لحاظ اهمیت ویژه این بررسی، ترجمه متن آن را با کمی اختصار منتشر می کند:

یک سال پیش، هنگامی که شخصیت های دولتی در تهران، " فجر " را اعلام کردند، منظور آنها برآمدن خورشید نبود، بلکه مرگ انسانها بود . " والفجر " عنوانی است که در فوریه ۱۹۸۳ به عملیاتی اطلاق شد که بنا بر عقیده رژیم ج ۱۰، می بایست مراحل پایانی و پیروزی جنگ را در پی داشته باشد: جنگی که عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ علیه ایران آغاز کرد . حاکمیت ایران بی توجه به عدم وجود مراحل تعیین کننده نظامی، همچنان با دادن نامه های شمارشی " والفجر " به ایسن جنگ ادامه می دهد . در ۲۵ فوریه ۱۹۸۴ حاکمیت ج ۱۰ عملیات " والفجر - ۵ " و چهار - شنبه گذشته ۲۰ فوریه " والفجر - ۶ " را آغاز کرد . هر بار از هر دو طرف تنها هزاران کشته به جای ماند . اتفاقی نبود که سال گذشته، آغاز حمله " والفجر - ۱ " با اولین دستگیری های وسیع کمونیست های ایران هم زمان بود و امسال

گامی دیگر در مرداب جنگ توسعه طلبانه

بقیه از صفحه ۴

این سیاست تا به حدی بود که معاون وزیر خارجه ایران می گفت :

" فکر می کنم خود آمریکایی ها هم از سددام نا امید شده باشند " (شیخ الاسلام معاون سیاسی وزارت خارجه - کیهان ۲۰ آبان ۶۲) .

در ادامه این سیاست ، آقای هاشمی رفسنجانی خواستار فروش سلاح های استراتژیک و در برد امپریالیستی به ایران می شد (اطلاعات ۱۴ شهریور ۶۲) و در نماز جمعه سلاح های آمریکایی و انگلیسی را از نان شب برای مردم ما واجب تر می دانست (اطلاعات ۲۴ دی ۶۲) .

امپریالیسم آمریکا خواستار جنگ فرسایشی است

سیاستمداران آمریکایی که در معاملات سیاسی با حکومت های بریده از خلق از مهارت و تجربه فراوانی برخوردارند ، برای تقویت سمنگیری نهی سیاسی ج ۱۰ و در عین حال تشویق ادامه جنگ فرسایشی ، در برابر سران ج ۱۰ سیاست " چماق وحلوا " را در پیش گرفتند .

آنان در حالی که روابط اقتصادی و نظامی اردگاه امپریالیسم با ج ۱۰ را تشویق می کردند ، از به کار بردن فشار نظامی نیز برای تأمین هرچه بیشتر منافع خویش بهره می بردند . امپریالیسم آمریکا در عین حال مناسبات مختلف با عراق را نیز حفظ و از آن به مثابه تهدیدی برای تسلیم هرچه بیشتر سران ج ۱۰ استفاده می کرد . ایالات متحده به این ترتیب با تأیید و تشویق هر دو طرف درگیری ، آتش جنگ فرسایشی را همچنان دامن می زد و دوام آن را برای مدت های طولانی تضمین می کرد .

از دی ماه گذشته امپریالیسم آمریکا مرحله نوینی از سیاست " چماق وحلوا " را آغاز کرد . در آغاز این مرحله محافل دولتی آمریکا اعلام کردند که در سیاست آمریکا چرخش ملایمی در سمت حمایت از حکومت عراق در برابر ج ۱۰ به وجود آمده است (واشنگتن پست ۱ ژانویه ۸۴) .

" چرخش ملایم " در سیاست امپریالیسم آمریکا ، به معنای قطع پشتیبانی اقتصادی - نظامی امپریالیسم جهانی از ج ۱۰ نیست . ایالات متحده هیچ گونه اقدام جدی برای ممانعت از صدور سلاح های امپریالیستی به ج ۱۰ و قطع و یا کاهش صادرات کالا های امپریالیستی به ایران به عمل نیارده است . هدف مانور سیاسی نوین امپریالیسم آمریکا ، ضمن ادامه جنگ فرسایشی از طریق پشتیبانی از هر دو طرف درگیر ، تثبیت منافع تجار و زکرا نه نظامی و حفصه نظامی سازمان یافته و دراز مدت در خلیج فارس و اقیانوس هند و به تسلیم کشاندن هر چه بیشتر طرفین درگیری به منافع و مطامع استراتژیک خویش است .

دور ناز و معامله گری ج ۱۰ با امپریالیسم آمریکا

با موضعگیری نوین دولت ایالات متحده در رابطه با جنگ ایران و عراق ، دور نخست مغالزه سیاسی سران ج ۱۰ با ایالات متحده خاتمه یافت . اینک پاسخ امپریالیسم آمریکا به پیام سران ج ۱۰ روشن شده بود .

" اجازه نمی دهیم حکومت صدام سقوط کند ، شما نیز ناگزیرید به منافع ما تسلیم شوید " .

هدف فشارها و تهدیدات نظامی اخیر آمریکا ، قبولاندن این خواست به سران ج ۱۰ است . این تهدیدات بر پایه محاسبات دقیقی استوار است . امپریالیست ها نیک می دانند که سران ج ۱۰ با پشت کردن به آرمانهای اصیل انقلاب بهمین ، در ماند در بن بست سیاسی ، دیر یا زود با اعتراف به ورشکستگی سیاسی خویش ناگزیرند هرچه بیشتر به دامان امپریالیسم آمریکا و ارتجاع پناه برند .

در عین حال محافل دولتی آمریکا اعلام می کردند که در دولت رونالد ریگان ، در رابطه با جنگ ایران و عراق دو جناح شکل گرفته است . یک جناح خواستار پشتیبانی از عراق و جناح دیگر که در اقلیت قرار گرفته است خواستار پشتیبانی از ایران است (واشنگتن پست ۱ ژانویه ۸۴) . در آذاهانه و از روی نقشه این خیر در جراید امپریالیستی ، بیانگر آنست که ایالات متحده امکان آشتی با حاکمیت ج ۱۰ را همچنان محتمل می داند .

تنها اعلام این خیر کافی بود که در تازه های از تلاشهای معامله گرانه سران ج ۱۰ - بسراری تقویت جناح پشتیبان ایران در دولت رونالد ریگان آغاز شود ، آقای خانهای بلافاصله اعلام کرد :

" اگر سیاستمداران آمریکایی . . . دچار وسوسه ماجراجویی در خلیج فارس شوند . . . مسلماً آن جناحی شکست خواهد خورد که تا به حال ضربات متوالی از اسلام و انقلاب اسلامی خورده است " (رادیو ایران ۲۰ بهمن ۶۲) .

سران ج ۱۰ اینک می کوشند سران ایالات متحده را قانع کنند که " دنیا تغییر کرده است و کارگزاران سیاست آمریکا " باید طرز تفکر و سیاست خود را تغییر دهند " . آقای خانهای در اوج پرخاشگری دروغین نسبت به امپریالیسم آمریکا دعوت آنان به واقع بینی (؟!) را نیز فراموش نمی کند : " اگر آمریکا بخواهد با ماجراجویی های خود در خلیج فارس فضاحت خود را در لبنان جبران کند ، یا رژیم عراق را از سرنگونی نجات دهد ، ما تمام منافع آمریکا در خلیج فارس را نابود خواهیم کرد . خوب است سیاستمداران واقع بینانه تر نگاه کنند " (نماز جمعه ۱۵ اسفند ۶۲) .

اعدام میهن دستان تودهای و فوج نویسر شوروی ستیزی لجام گسیخته سران ج ۱۰ - چهار چوب این معامله گری رسوای سیاسی ابعا فاجعه آمیز خود را نشان می دهد .

در بحبوحه تهدید نظامی امپریالیستی سرکوبگران ج ۱۰ با اعدام ده تن از افسران و فعالین تودهای به امپریالیسم جهانی اطمینان می دهند که سران ندارند که راه رفته را بازگردند . در حالی که تجار و زکرا ن آمریکایی در مرزهای آبی میهن ما دست به عملیات نظامی تحریک آمیز می زنند و حق حاکمیت مردم را به شکلی توهین آمیز زیر پا می گذارند ، سران ج ۱۰ برای مردم ما دشمن موهوم می تراشند و اتحاد شوروی - همسایه صلح دوست ما را - به درگیری نظامی تهدید می کنند (هاشمی رفسنجانی - ۱۷ اسفند ۶۲) تا به امپریالیسم آمریکا اطمینان بد خند که قصد ندارند از حد پرخاشگری عوام فریبانه نسبت به آنان گامی فراتر روند .

رضی سران ج ۱۰ در برابر تهدیدات نظامی و تحریکات توهین آمیز امپریالیسم آمریکا در مرزهای دریایی میهن ما و تلاش معامله گرانه برای حفظ پیوندهای اقتصادی و نظامی با امپریالیسم جهانی زمینه سازی برای آشتی با دولت ایالات متحده - به شرط " واقع بینی " بیشتر - بیانگر جایگاه برجسته است که در دست می یابد . امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در برنامه های امروز و فردای سران ج ۱۰ دارد . آنان که راه احیا و نوسازی سرمایه داری وابسته با امپریالیسم و سرکوب انقلابیون اصیل ایران و دشمنی با نیروهای مترقی جهان - و در مرکز آنها اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - را برگزیده اند ، خواست و توان مبارزه واقعی بیکر و راستین با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را از دست می دهند .

مبارزه در راه صلح شرافتمندانه ، مبارزه در راه نجات انقلاب از خطر شکست نهایی است

در حالی که حاکمیت ج ۱۰ که به اهداف والای انقلاب بهمین پشت کرده است ، برای نجات خویش ، ادامه جنگ فرسایشی را به امید موهوم پیروزی در آن ضروری می داند ، توده مردم که ابعاد گوناگون این فاجعه ملی را با گوشه و استخوان خود حس می کنند ، بیش از پیش به تجربه عینی درمی یابند که دستیابی به آرمانهای اصیل انقلاب ، استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی ، جز با مبارزه بیکر در راه صلح شرافتمندانه ممکن نیست .

مقاومت در برابر جنگ افزوزان به اشکال مختلف گسترش می یابد . سرپیچی گسترده مشمولین نظام وظیفه و داوطلبان پیشین جنگ از معرفی خود به نهاد های نظامی ، سران ج ۱۰ را با مشکل کمبود نیروی انسانی در جبهه ها روبرو کرده است . بنا بر قوانین تازه ، مدت خدمت نظام وظیفه به ۲/۵ سال و دوران خدمت احتیاط به ۸ سال افزایش یافته است . مأمورین انتظامی برای شکار مشمولین فراری بسیج شده اند .

میراث شوم توکلکی در پیش نویس قانون کار

در نظر طراحان این پیش نویس، کارگران موجوداتی بی ارزش و زبون اند که سرمایه داران می توانند در صورت عدم تمایل به استفاده از ارز دولتی، پندرگاه و ۰۰۰ با آنها مانند حیوان رفتار کنند. از نظر مدافعان "معنویت" و تقبیح کنندگان "مادیت" ارزش والای کارگر به ارز دولتی، زمین مجانی و ۰۰۰ است.

قوی کامل تشکل صنفی کارگری

تشکل های صنفی کارگران، سندیکاها، اتحادیه ها، شوراها و انجمن های صنفی مهمترین سلاح طبقه کارگر در نبرد صنفی - مطالباتی علیه سرمایه است.

پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، اصل ۲۶ قانون اساسی آزادی تشکیل انجمن های صنفی کارگری را تضمین کرد. ولی سرمایه داران و نمایندگانشان از هیچ تلاشی جهت نابودی تشکل های کارگری که در جریان بعد از انقلاب به وجود آمده بودند، کوتاهی نکردند.

یکی از مهم ترین محورهای پیش نویس توکلکی نفی هرگونه تشکل کارگری بود. توکلکی می خواست کارگران را از تشکل محروم کند تا هیچگونه مانعی بر سر راه استثمار بی حد و مرز آنها وجود نداشته باشد. این سیاست ضد کارگری خشن و عریسان توکلکی با مقاومت کارگران ایران شکست خورد. ولی محتوی سیاست او توسط مجموعه حاکمیت پسند اشکال دیگری پی گیری شد.

در چار چوب این خط مشی بود که طرح "شوراهای اسلامی کار" توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. ما همان هنگام اعلام کردیم که این طرح ضد کارگری و ضد تشکل کارگری است و اصل ۲۶ قانون اساسی را نقض می کند (راه تسویه شماره های ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۷۲ و ۷۴). در این قانون چند امکان کوچک وجود داشت که به کارگران اجازه می داد فعالیت های بسیار محدودی در چار چوب "شوراهای اسلامی کار" داشته باشند. ولی شورای نگهبان سرمایه داری این را هم تحمل نکرد و مصوبه مجلس را رد کرد. وظیفه تحقق این خواست نگهبانان سرمایه یعنی نفی تشکل های صنفی کارگری اکنون به پیش نویس "جدید" محول شده است.

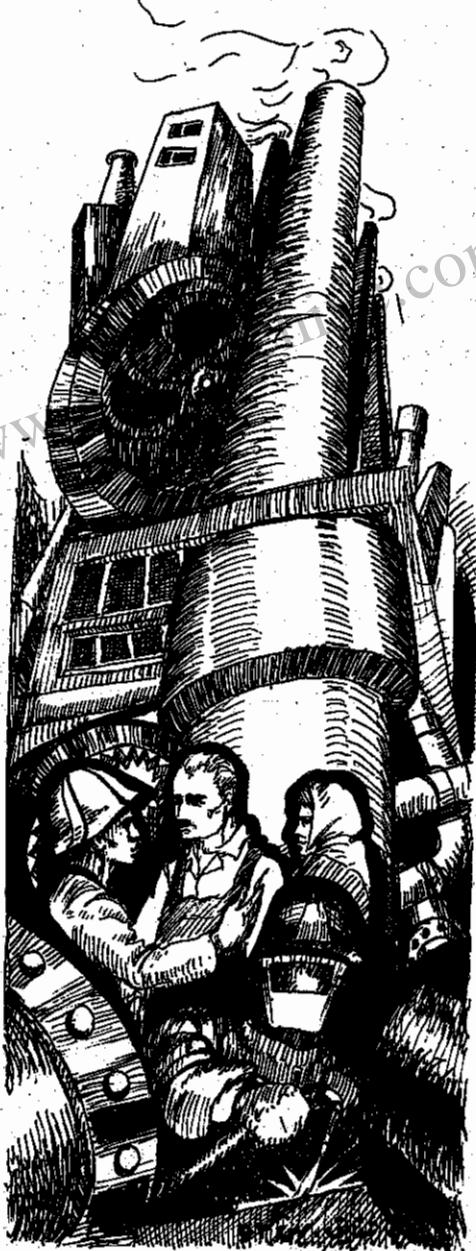
پیش نویس جدید "قانون کار" پیش از دو سوم کارگران را - ۳/۵ میلیون نفر از ۵ میلیون نفر آنها را، که در واحدهای زیر ۳۵ نفر و کارخانجات بزرگ دولتی کار می کند - از حقوق تشکل محروم کرده و در مورد بقیه نیز در ماده ۱۷۸ پیش نویس تصریح می کند که:

"ساعاتی که اعضای شورای اسلامی کار به وظایف شورای مشغول هستند، در صورت موافقت صاحب کار، بجز ساعات کار آنها محسوب می گردد."

اعضاء هیئت وزراء و مسئولین وزارت کار بقیه در صفحه ۱۴

از انقلاب نه تنها به این وظیفه های که انقلاب در مقابلش قرار داده بود عمل نکرد، بلکه برعکس در اولین پیش نویس قانون کاری که با رهبری نماینده سرمایه داری هار و عقب مسانده ایران، توکلکی، تدوین شد، هدف اساسی نفی این دستاورد های کارگران بود.

در فصل چهارم پیش نویس "جدید" همین مهم ترین پایه فکری ضد کارگری توکلکی، یعنی تبدیل کارگران به "مال الاجاره" و از بین بردن هرگونه محدودیت در استثمار کارگران، به شکلی دیگر دیده می شود. در این فصل به سرمایه داران اجازه داده می شود تا در صورت این که نخواهند از فلان و بهمان امتیاز دولتی بی بهره گیرند، هر بلایی می توانند بر سر کارگران بیاورند.



شوراهای کارگری

همان گونه که در شماره پیش خیر دادیم، پیش نویس قانون "جدید" کار انتشار یافت. ولی به قول معروف "کو موش زانید" و همان گونه که انتظار می رفت، پیش نویس "جدید" روح پیش نویس کذایی توکلکی را در کالبدی دیگر جان بخشید.

مسئولان فعلی وزارت کار که زمانی خود جزو منتقدین پیش نویس قبلی بودند و به خوبی از نفرت کارگران نسبت به آن با خبرند، اکنون در تبلیغاتشان تلاش دارند این طور وانمود کنند که پیش نویس "جدید" می مطرح است که اساسا با پیش نویس توکلکی و شرکاء تفاوت دارند بر سر مختصر پیش نویس منتشره دروغ بودن تبلیغات مسئولان وزارت کار را افشا می کند.

واقعیت این است که مرحله جدید سیاست ضد کارگری رژیم که از بهمن ۱۳۱۱ آغاز شد اکنون به نقطه ای رسیده است که حاکمیت موقع را بجز برای تصویب یک قانون کار ارتجاعی مناسب می بیند. حاکمیت به عبث می پندارد که یروش وحشیانه و خونین به حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، انجمن هیسنگی، سندیکاها و شوراهای کارگری، کارگران ایران در برابر قانون کار ارتجاعی مقاومت چندانی نشان نخواهند داد. از طرف دیگر رژیم قصد دارد که به دست برخی عناصر و با بیز کردن برخی ظواهر خشن و قرون وسطایی پیش نویس قبلی، خود را مدافع منافع کارگران معرفی کند. حزب توده ایران به موقع خود اهداف تدوین کنندگان پیش نویس توکلکی را افشا نمود. این اهداف عبارت بودند از:

- نفی دستاورد های ۷۰ ساله جنبش کارگری ایران؛
- نفی دستاورد های انقلاب بهمن؛
- نفی اصول مترقی قانون اساسی.

دستاورد های نبرد چند ده ساله طبقه کارگر در خطر است

۴۰ سال پیش کارگران بر اثر مبارزات خود و به همت تشکل مستقل، قدرتمند و سراسری خود، توانستند خواست محدود کردن استثمار را به رژیم وقت تحمیل کنند و آن را در قانون کسار بگنجانند. بدین ترتیب سرمایه داران قانونا مجبور شدند تا حد و معینی مسئله حداقل دستمزد، بیمه کارگران، رعایت تعطیلات و مرخصی ها و غیره را بپذیرند. اگرچه سرمایه داران در بسیاری موارد به این تعهد خود عمل نکردند ولی وجود این اجبار قانونی دستاورد بزرگی برای کارگران به شمار می رفت.

پس از انقلاب خواست طبقه کارگر این بود که نه تنها این دستاورد ها حفظ شود، بلکه نقش عظیم طبقه کارگر در جامعه و در امر پیش برد اهداف انقلاب به رسمیت شناخته شده و بر این پایه منافع کارگران در قانون کاری با مسئولان انقلابی و کیفیتا نوین رعایت گردد. حاکمیت پس

قتل عام سف

در سینه دم نشیم اسفند، جوخه‌های دوزخی اعدا

خود، به دشواری‌ها و سختی‌های زندگی کارگری پی برده بود، با آرمانهای عدالت‌پژو حزب آشنا شد و در سال ۱۳۳۲ به عضو حزب درآمد. او در طول عمر پر کوشش خود، عنوان انسانی صادق، شرافتمند و بی‌کار احترام همگان را برمی‌انگیخت؛ زیست و انقلاب فعالانه در جهت تحکیم و گسترش آن انقلاب و دستاوردهای آن کوشید و از این راه از استقبال هیچ خطری روی نگرداند. او ۳ بی‌وقفه در جبهه‌های جنگ، در پرخطرترین مهلکه‌ها و زیر آتش مستقیم توپ‌های دشمن برد و نیروها را بسیج کرد و طرح‌های موفقیت‌آمیزی را برای عقب‌راندن ارتش صدام از وطنش فرماندهی کرد. او در رابطه با اتهامات سیا ساختن دادستان انقلاب گفت:

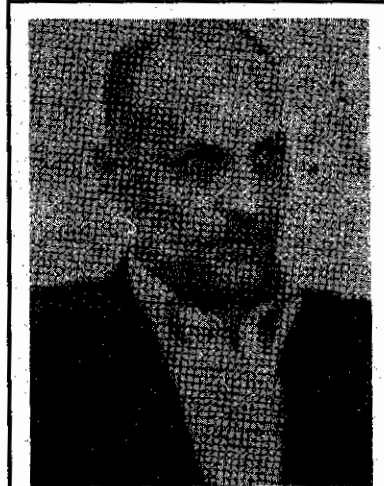


رفیق سرهنگ عطاریان

چنین تحلیل می‌کردم که برای قانع آمدن بسیاری مشکلات و برای اینکه جامعه به طرف یک تعادل، به طرف یک قسط پیش‌برود، لازم یک حزب چپ ... که انگیزه‌های خدمت اجتماعی یکسان برای افراد جامعه را داشته باشد، برای مملکت ما ضروری است تا با مطرح کردن شعارهای مردمی و با اعلام نقطه ضعف‌ها با ارائه راه‌حل‌ها خدماتی را بتواند به جامعه انجام دهد ... او در مراحل بازجویی و دادگاه اتهامات "براندازی" و "جاسوسی" را به کلی رد کرد و صریحا اعلام داشت:

"... در طول فعالیتیم در سازمان حزب، اطلاعات نظامی را که قابل استفاده و بهره‌برداری در امر جاسوسی یا در امر براندازی باشد، به حزب ندادم ..."

رفیق سرهنگ هوشنگ عطاریان او هنگامی که در یک کارگاه کار می‌کرد و با تجربه شخصی



رفیق سرهنگ هوشنگ عطاریان

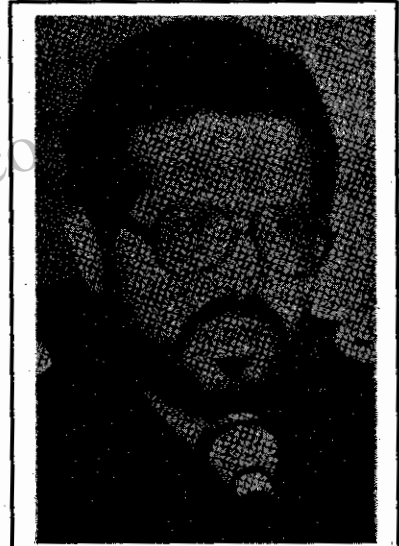


"... من جاسوسی و اقدام بر علیه امنیت کشور و براندازی را قبول نداشته، و فعالیت و عضویت در شبکه مخفی را قبول دارم زیرا اگر کسی هدف براندازی داشته باشد به خاطر این است که به چیزی و پول و مقامی برسد و در جهت تخفیف انقلاب عمل می‌نماید ... ولی من از تاریخ ۵ اسفند ۵۷ که در ج ۱۰، مسئولیت پذیرم تا روز دستگیریم برای حفظ نظر جنگیده‌ام ..."

رفیق سرهنگ بیزن کبیری آشنائی رفیق کبیری با آرمانهای حزب توده ایران نیز به سال‌های پیش از ۳۲ بر می‌گردد. یکی از موارد کیدخواست دادستان که بر سنگینی "جرائم" او می‌افزاید به شرح زیر است:

وطن!
وطن کلمات من
گهواره سرودهای من
گورگاه عشق‌های من
دامت را
پرچم پوشاننده تابوت سردار ما کن
و دل غمگین ما را
چون دسته‌گلی بر آن بگذار!

پرچمی که برای افراشته نگاهداشتن در نیلی بی‌کران آسمان، نسل‌های از مردم ایران و نسل‌هایی از شیفتگان آرمانهای مردمی حزب توده ایران، به خاک در غلطیدند. اکنون ایرانی سیاه‌پوش و خشمگین، با دست‌های لرزان از اندوه و نفرت، این درفش کابینایی را از نگهبانان باستانی سرزمین‌مان می‌ستانند تا پیکر غرقه به خون تودهای‌هایی دیگر، ۱۰ عاشق وطن، عدالت و آزادی را در آن ببوشاند: رفیق ناخدا یک بهرام افضلی - رفیق سرهنگ هوشنگ عطاریان - رفیق سرهنگ



رفیق ناخدا یکم بهرام افضلی

بیزن کبیری - رفیق سرهنگ حسن آذر فر - رفیق شاهرخ جهانگیری - رفیق محمد بهرامی نژاد - رفیق جعفر بهرامی نژاد - رفیق خسرو لطفی - رفیق غلامرضا خاضعی و رفیق فرزاد جهانساز، انسان‌هایی که مهر و عشقشان به تیر کینه‌شکافت و زندگی و هستی‌شان با تیر انتقام از پا درآمد. سینه دم ششم اسفند، در برابر این صف سرشار از امید و شور و ویاکی، جوخه‌های دوزخی لعدام ارتجاع ایستادند و با چکاندن ماشه ۳ - امری بی‌چون چوچای امپریالیسم را به اجرا درآوردند. و بر شقایق زار حزب گل‌هایی دیگر نشانند:

رفیق ناخدا یکم بهرام افضلی او عشق به حزب توده ایران را از سال‌های شوم و تاریک بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ در دل داشت و آن را با خدمت در راه مردم همراه ساخت. زیرا:

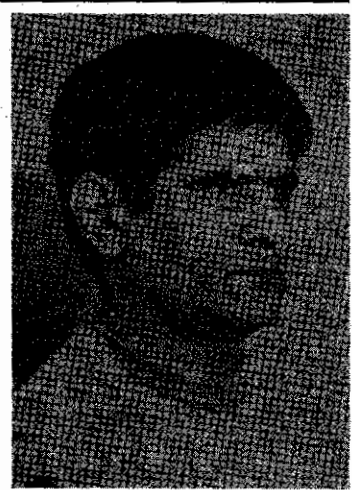
"... در رژیم گذشته با پوست و گوشت و استخوان خود، فساد، ظلم و محرومیت را در جامعه ایران احساس کرده بودم. برای خودم

توده‌ایها...

افسران و دیگر اعضاء حزب توده ایران را قیرباران کردند!

" ادامه فعالیت در زندان برای تشکیلات ..."

رفیق کبیری نیز، از ابتدای شروع جنگ، نقش جانشین ناپذیری در عقب راندن نیروهای رژیم بغداد از خاک میهن مان و شکستن محاصره آبادان به عهده داشت. ایثارگری‌ها و اقدامات جسورانه او در باز پس گرفتن خرمشهر، زبان زد خاص و عام است. همه زحمتکشان ایران، مردم آبادان و نیروهایی که تحت فرماندهی او، ارتش عراق را به عقب راندند، رفیق کبیری را به عنوان " فاتح خرمشهر " می‌شناسند. یاد حماسه آفرینی‌های او در فتح خرمشهر که نیروهای متجاوز عراق را کوجه به کوجه و محله به محله دنبال کرد و آنان را به پشت مرزهای ایران راند، از خاطیره‌ها زدودنی نیست. وی درد فعالیت خود تصریح می‌کند:



رفیق سرهنگ حسن آذرفر



رفیق فرزاد جهاد

رفیق شاهرخ جهانگیری رفیق جهانگیری در سال ۵۲، به عضویت سازمان نوید درآمد و از آن هنگام در امر چاپ و پخش نشریه نوید و بیه سوی حزب و مبارزه با رژیم شاه ملعون بیه فعالیت پرداخت.

رفیق محمد بهرامی نژاد عضو گروهی بود که در سال ۵۶، مشی حزب را بررسی می‌کرد و چون به اصالت و درستی آن بی‌بردی به حزب توده ایران پیوست. رفیق بهرامی نژاد در سال‌های سیاه خفقان محمد رضا شاهی، علیه رژیم فعالانه به نبرد پرداخت و در فعالیت خود اتهام " جاسوسی " را به کلی رد کرد و در جریان محاکمه فرمایشی خود صریحاً گفت: " ... من هیچ اطلاعاتی که مضر برای انقلاب اسلامی باشد و نیز هیچ اطلاعاتی اثرش به حزب ندادم "



رفیق جعفر بهرامی نژاد

رفیق جعفر بهرامی نژاد وی در سال ۵۸ به عضویت حزب توده ایران درآمد و فعالانه در راه خدمت به انقلاب و حفظ دستاوردهای آن کوشید. وی به واسطه موفقیت خود، بیشتر سال‌های جنگ را در جبهه‌های نبرد بسر برد و موافق رهنمود های حزب، همه توان و فعالیت خود را در جهت عقب راندن دشمن متجاوز به کار بست. در گزارش محاکمه او آمده است: " ... وی در مورد بند ۲ کیفرخواست بیسی بقیه در صفحه ۱۰"



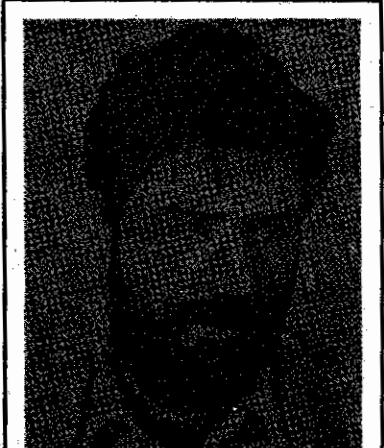
" ... من در رابطه با مسائل عدالت اجتماعی، طرفدار این حزب شده بودم، تبه بیه خاطر ضدیت با مذهب و هیچ وقت نیز به این صورت به این مسئله فکر نکردم که مارکسیسم و اسلام اختلاف ریشه‌ای دارند ..."

رفیق سرهنگ حسن آذرفر رفیق آذرفر از خانواده‌های زحمتکش در بروجرد یا به عرصه وجود گذاشت و از آنجا که از کودکی با محرومیت و رنج آشنا بود، پس از انقلاب به صفوف حزب مدافعان محرومان و رنج دیدگان پیوست. وی در این باره می‌گوید:

" ... با مطالعاتی که داشتم، با برنامه‌های که حزب ارائه داد و البته برنامه‌های اقتصادی که حزب ارائه داد من جذب حزب شدم. یعنی به حزب مراجعه کردم و تقاضای ثبت نام کردم ..."



رفیق محمد بهرامی نژاد



رفیق غلامرضا خاضعی

قتل عام سفاکانه تود دایها...

بقیه از صفحه ۹

بر دادن اطلاعات و اخبار محیط کار خود به مسئولینش مدعی شده هر ۵۰ روز یک بار بیه مرخصی می‌آمده و در این مدت با برادر و اعضای خانواده خود از مسائل جبهه صحبت می‌کرده و اینها برای وی شیرین و خاطره انگیز بود. وی مدعی شده که اصلا با مسائل سری آشنا نبوده و به آنها دسترسی نیز نداشته است و تا کسبون اخبار و اطلاعاتی که به ضرر انقلاب و مردم باشد به حزب نداده است..."

رفیق خسرو لطفی رفیق لطفی، از اعضا و مسئولین توده در سال‌های سیاه اختناق، پیگیرانه علیه رژیم محمد رضا شاهی مبارزه کرد. اولین اتهام مندرج در کیفرخواست دادستان کسه بر اساس آن حکم اعدام در باره وی صادر شد به این شرح است:
"۱- عضویت در تشکیلات مخفی توده... و تحت مسئولیت داشتن تشکیلات توده در مازندران..."
رفیق لطفی، در جریان محاکمه خود، اتهامات "جاسوسی" و "براندازی" اقامه شده از جانب دادستان را رد کرد.

رفیق غلامرضا خاضعی رفیق خاضعی در سال ۵۷ با سازمان نبرد تماس گرفت و بلافاصله فعالیت خود را در راه آرمانهای حزب توده ایران و علیه نظام استعماری و استبدادی محمد رضا شاهی آغاز کرد. حوزه فعالیت وی در قائم شهر و مشهد بود. او در جریان محاکمات نمایشی خود، اتهامات واهی "جاسوسی" و "براندازی" را شدیداً رد کرد. گزارش محاکمه وی در این رابطه حکایت دارد:

"متهم... در رابطه با توطئه براندازی از سوی حزب... هیچ‌کس مدعی شش‌ده که رهبران حزب، همیشه تأکید می‌کردند که باید در خط انقلاب و دفاع و تداوم آن کوشش کرد. زیرا در صورت شکست انقلاب، نیروهای طرفدار آمریکا حاکم خواهند شد. وی علت گرایش خود به حزب را انگیزه‌های نوع دستانه دانست."



رفیق فرزاد جهاد فعالیت رفیق جهاد در حزب توده ایران به سالهای پیش از انقلاب برمیگردد. او و گروه کوچک کارگری‌اش با سازمان دادن اعتصابات طاقت‌برافکن در محیط‌های کار آنان، نقش برجسته‌ای در مبارزه با رژیم محمد رضا شاهی بازی کرد. یکی از اتهامات مندرج در کیفرخواست دادستان که بر اساس آن محکوم اعدام برای او صادر شده شرح زیر است:

"... تحت مسئولیت داشتن چند کارگر توده‌ای، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی... رفیق جهاد نیز مانند سایر هم‌زمان خود که به جوخه‌های اعدام سپرده شدند، اتهامات سیا ساخته "براندازی" و "جاسوسی" را رد کرد.
اما جباران خیانت‌پیشه حاکم بر سرزمین ما، به جای ارزش‌گذاری بر فعالیت‌ها و اقدامات سازنده و کارنامه سراسر کار و پیکار این مبارزین، با لجبازی انتقام‌جویانه به مقادیر توده‌های کسه سیا ساخته و ساواجا پرداخته استناد کردند و آنان را با عناوین "جاسوس" و "خائن" به جوخه‌های اعدام سپردند. اما این شهیدان، برای ما و همه مردم محروم سرزمینمان و بشیریت مترقی نوایی از تندر تاریخ‌اند. آنان اندیشیدن کوشیدن و رزمیدن در راه برای توده‌ها را معنای زندگی خود ساختند. رنج و تلاش شگرفشان برای کاشتن بذری که خورشید مهر و دوستی میوه آنست، عظمت مهیب نبودشان را ناچیز می‌کند؛ آنان در وجود هر توده‌ای زنده‌اند. بر سر سفره محقر همه زحمتکشان این مرز و بوم حاضرند و در چشمه محبت همه انسان‌های پاک تصویر روشن از آنان باقی است. اکنون و تا ابدیت! آن کودکی که برای آخرین دیدار با پدر، به سوی زندان این شتافت و به جای دستان گرم او، پیراهن خونینش را در دست فشرد، فردا به نام و یاد اوست که رزم خویش را می‌آغازد. علیه بیاد جامعه، استبداد و ارتجاع، علیه جنابالت و بربرمشی، علیه کسانی که رذیلتانه و با دیوانه‌سری‌های انتقام‌جویانه تسکین خود و سود خود را در منقلب کردن زندگی‌هایی چنین پاک و انسانی می‌یابند.
این پیمانی است که هر توده‌ای با قلب سرشار از آرزوی آن کودک و حزب بزرگ خود بسته است!

اعلامیه تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

درباره اعدام میهن‌دوستان

به دنبال صدور احکام اعدام گروهی از افسران میهن‌دوست و اعضای حزب توده ایران، حکم در مورد تن از آنان به اجرا درآمد و حکومت ارتجاعی ج ۱۰، با این عمل، دست به جنایت موحشی آلود.
ما هم‌اکنون هزاران تن از مدافعان انقلاب، زنان مردان و نوجوانانی که تنها گناهشان مبارزه در راه آرمانهای ولای مردمی است، تحت بازداشت و شکنجه‌های وحشیانه بسر می‌برند و عدای از آنان، جان خود را از دست داد‌اند. محاکمات فرمایشی که با نقض کلیه موازین حقوق بین‌المللی، در دادگاه‌های در بسته نظامی علیه عدای از افسران انقلابی و اعضای حزب توده ایران برپا شد، زنگ خطری بود که نگرانی محافل دمکراتیک سراسر جهان را نسبت به سرنوشت این افراد، پیش از پیش برانگیخت.

مردم شرافتمند ایران، زنان مبارز و ایثارگر
به هوش باشید و با افشای توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع به خنثی کردن آن یساری رسانید!
ما، ضمن محکوم کردن این جنایات، بار دیگر کلیه نیروهای مترقی و آزادی‌خواه و تمام بشر دستان جهان را فرا می‌خوانیم، تا با اقدامات اعتراضی خود، مجلی اعمال بربرمنشانه رژیم دیکتاتوری ایران را سد کنند!
- گرامی باد خاطره میهن‌دستانی که جان بر سر آرمانهای انقلابی باختند!
- پیروز باد مبارزات حق‌طلبانه مردم میهن‌دستان به خاطر استقلال، آزادی و رفاه اجتماعی!

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران
۱۳۶۲ اسفند

عشایر و جنگ

بال و پر شکسته افتاد.

منطقه جنگی غرب کشور، مناطق عشایر نشین استان‌های کرمانشاه و ایلام و تا حدودی مناطق مورد استناد عشایر همدان و لرستان را در بر می‌گیرد. زندگی نزدیک به ۳ میلیون نفر از ساکنان غرب کشور ما در این منطقه و در رأس آن‌ها زندگی عشایر و ایلات منطقه مانند عشایر سنجایی، قلخانی، کلهر، ترک و ترکا شوند، زوله و جمیرو... با شروع آتش جنگ، دستخوش تحولات غیر منتظره‌ای شد. حدود ۴ میلیون دام از دستیابی به علوفه محروم و نزدیک به یک میلیون نفر صاحبان آنان سرگردان و همراه با یک میلیون ساکنان روستاهای منطقه آواره شدند.

امروز، پس از ۴۰ ماه جنگ خانمانسوز همچنان ادامه دارد، تشر جنگ جان هزاران تنس از فرزندان عشایر مرز نشین را به کام خود کشیده است و ده‌ها هزار هکتار مراتع سرسبز و میلیون‌ها تن علوفه خاکستر شده است. ده‌ها هزار هکتار گندم زار ناکاشته مانده است و به جای آن زنجیر هزاران دامیون برای واردات مواد کشاورزی از کشورهای امپریالیستی و بی‌شعار جهاد تخلیه بنادر (جهاد در راه تحکیم وابستگی) راهی بنادر کشوری شدند.

صدها هزار نفر از عشایر کشور در دوران جنگ آواره شهرهای مختلف شده‌اند. بازمانده‌های آنان اغلب هدف فخرهای دشمنان

زندگی عشیره‌ای و دامداری به شکل کوچ بین بیلاق و قشلاق در اکثر نقاط ایران، شیوه تولید ابتدائی و عقب مانده‌ای است که هنوز هم بسا جزئی تغییرات موصول خود را حفظ کرده است. زمسان پاکیزی این شیوه که پس از کمون اولیه به عنوان شیوه‌ای جدید شکل گرفت به ۳ هزار سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد.

"پژوهشهای علمی نشان می‌دهد که در اکثر نقاط کشور ما زندگی اسکان یافته کشاورزی مقدم بر زندگی کوچنده اقوام دامدار آغاز شده است. اثر اقوام کوچنده در کشور ما فقط در آغاز هزاره دوم پیش از میلاد دیده می‌شود و ظاهراً طوسی همین هزاره است که اولین تقسیم اجتماعی کار بین اقوام زراعت پیشه و اقوام کوچنده شبان پیشه در ایران به وجود آمده است."

"... ساکنین منطقه غرب ایران بیسز هزاره‌های نهم و هشتم قبل از میلاد در دره‌های کوهستانی استقرار یافته و به کشاورزی و دامداری پرداختند؛ در دهکده آسیا تپه سراب نزدیک کرمانشاه، قدیمی‌ترین خانه‌هایی که انسان در کشور ما برای سکونت خود ساخته، کهن‌ترین آثار زندگی زراعتی ایران کشف شده است."

"دولت کاسیان در نواحی کوهستانی لرستان در واقع حکومت امرای بزرگ دامداری توده‌های قبیله بود" (کتاب ماتریالیسم تاریخی صفحه ۹۷ از انتشارات حزب توده ایران).

برای پژوهشگران آثار باستانی و کاشفان مسائل اجتماعی و تکامل انسانی، آموزنده خواهد بود اگر در بسیاری از نقاط ایران، تجسم عقب افتادگی قرون و اعصار و نمای زندگی ۵۰۰۰ سال پیش، جوامعیشری را با تمام خصوصیات و ویژگی‌های یک جامعه عقب افتاده به چشم خود ببینند و بررسی کنند. آنچه در ۵۰۰۰ سال پیش در سرزمین ما و به ویژه در غرب کشور، شیوه تولید متری محسوب می‌شد، اکنون با همان خصوصیات و درآمیزش با ویژگی‌های نظام فئودالی و سرمایه‌داری به حال خود باقی مانده است. این آئینه عقب ماندگی شدید کشور ما است.

هزاران سال پیش، یک منشی بابلی که در آن عهد می‌زیست نوشت:

"عالم تمدن به دامنه‌های زاگروس خاسته می‌یابد" (همانجا - ص ۱۰۴).

اکنون نیز سائین این دامنه‌ها، در همان "تمدن" زندگی می‌کنند!

امید این بود که با پیروزی انقلاب بهممن، زنجیرهای این زندگی عقب مانده بگسلد و بسه جای خان سابق و بازاری و رباخوار فعلی، دستاوردها و تحولات بنیادی و انقلابی در زندگی عشایر پدید آید. انتظاری میث!

در چنین شرایطی بود که در پاییز سال ۵۹، درست هم زمان با حرکت توده‌های محروم و رنج کشیده این مناطق قشلاقی، آتش جنگ بین ایران و عراق زیانه کشید و شعله بر آشیانه این پرندگان



قرار گرفته یا از گرسنگی و عدم رسیدگی تلف شده‌اند یا به قیمت ناچیزی فروخته شده‌اند.

ضربه سنگینی که از این راه بر اقتصاد دام - پروری کشور وارد شده است تا سالیان سال اثرات خود را حفظ خواهد کرد:

سرانجام ۱۰۰ چه تدبیری برای زندگی محنت بار عشایر ایران، و از جمله مصائبی که خود باعث آن بوده‌اند چاره کرد‌اند؟ آقای رئیس جمهور می‌گوید:

"عشایر وضع بسیار بدی دارند و حتی کوره راهی که جنازه شهید خود را از آن عبور دهند وجود ندارد" (راه توده - شماره ۷۶).

این تسویه ملوکانه رئیس جمهور به عشایر خود بی‌نیاز از توصیف است. حاکمیتی که تمام مساعیش، متوجه تأمین منافع زمین‌داران و بزرگان مالکان و جنگ افروزی توسعه طلبانه به سود آنان است، برای عشایر مصیبت زده ایران، شهسادی بیشتر، گورستان‌های آباد تر، و کوره راه‌هایی که شهیدای خود را در آنها تشییع کنند، به ارمغان آورد.

در زمستان همان سال، عده قابل توجهی از دامداران روستائی و عشایر منطقه اجبارا بیشتر دام‌های خود را به قیمت بسیار نازل (حدود یک دهم ارزش واقعی آن) به واسطه‌ها و دلالان محلی فروختند. به این امید که بتوانند تعداد کمی از دامها را برای خود حفظ کنند و در مقابل برای تأمین علوفه بازمانده دامهای خود، جورا به قیمت چند برابر از آنها خریدند. این افزایش قیمت از یک کیلو جو، ۲۵ ریال به کیلوی ۱۰۰ ریال افزایش یافت. به این ترتیب تشر جنگ که سوزنده هستی این محرومان بسود بازار دلالان و محتکران و بازاریان "صالح" راروضق داد. امید عشایر این بود که جنگ به زودی پایان یابد و آنان بتوانند برای سالهای بعد - حداقل تعداد محدودی دام به عنوان تنها مصدر درآمد خود - را حفظ کنند. از این رودر بسییج عشایری متشکل و راهی جبهه‌های جنگ شدند. اما این امید به زودی نقش بر آب شد. نه جنگ و نه رنج و محنت عشایر پایان نگرفت.



الندا: آمریکا نتوانست سیاست‌های ضد لبنانی را عملی سازد

نیروهای نظامی آمریکا به مداخله خود در امور داخلی لبنان ادامه می‌دهند. ناوشکس "کازن" از ناوگان ششم آمریکا، چندین روستای لبنانی واقع در شرق بیروت و نیز مواضع نیروهای سوری را زیر آتش گرفت. این گلوله بارانها در دست پس از انتقال ۱۳۰۰ تن از نیروهای نظامی مدخله گر آمریکائی به کشتی‌های جنگی ایس کشور، مستقر در سواحل لبنان صورت گرفت. علاوه بر این، هواپیماهای جنگی آمریکا و اسرائیل نیز به پروازهای خود بر فراز اراضی لبنان ادامه می‌دهند. در نواحی مختلف بیروت در گیری‌های مسلحانه علی‌رغم اعلام آتش بس، هم چنان ادامه دارد. حزب کمونیست لبنان طوسی صدر بیانیه‌ای، نیروهای مسلح حزب کتائپ (فالانژیست) را مسئول بر هم زدن آرامش در بیروت و نقض آتش بس دانست.

روزنامه "الندا"، ارگان حزب کمونیست لبنان در شماره یکشنبه خود، خروج نیروهای مداخله گر آمریکائی از بیروت و انتقال آن به کشتی‌های جنگی را به مثابه شکست سیاست تجاوزکارانه آمریکا در لبنان ارزیابی کرد. این روزنامه نوشت:

"دولت آمریکا نتوانست، طرح‌های خود را که با منافع ملی لبنان مغایر است تحقق بخشد." این روزنامه همچنین نوشته است این شکست با پشتیبانی هر چه بیشتر مجاقل گوناگون از خواست لغو قرارداد های لبنان و اسرائیل که تحت نظارت آمریکا صورت گرفت، کامل تر می‌شود. روزنامه "الندا" هشدار داده است انتقال تفنگداران آمریکائی را نباید به معنی پسایان قطعسی مداخله نظامی آمریکا در لبنان دانست. خطر تجاوزات مشترک آمریکا و اسرائیل همچنان به قوت خود باقی است.

امپریالیسم آمریکا قصد بمباران اتمی ویتنام را داشته است

در بهار سال ۱۹۵۴، امپریالیسم آمریکا جتایت فجیعی را در ویتنام تدارک دیده بود. این مطلب در اسناد بخش تاریخ ارتش آمریکا که اخیراً در ۱۷ جلد منتشر شده فاش گردیده است. این اسناد متعلق به پنتاگون و وزارت خارجه آمریکا است که سی سال تمام پنهان نگاه داشته می‌شده و تنها معدودی از دارکنان کاخ سفید به آنها دسترسی داشته‌اند. اکنون آشکار شده است که مطابق فرمان پرزیدنت آیزنهاور و کمیته "روسی" ستاد ارتش آمریکا، برنامه دقیق برای

کاربرد بمب اتمی در ویتنام با اسم رمز "جی - ۳" طرح ریزی شده بود. این اقدام از آنجا لازم آمده که واشنگتن از وضع ناپسامان ارتش مستعمراتی فرانسه و پیروزی‌های پیکار رهایی بخش مردم ویتنام سخت نگران شده بوده است. طراحان نظامی آمریکا برای جلوگیری از شکست فرانسه و سرکوب جنبش آزادی بخش خلق ویتنام، پیشنهاد کرده بودند که از یک تا شش بمب اتمی، (یک تا سه بار نیرومند تر از بمبی که بر هیروشیما انداخته شد) در نقاط مختلف ویتنام منفجر شود.

اعمال رانندگان کامیون در فرانسه را چه کسانی سازمان دادند؟

راه بندان های فلج کننده در شهرهای فرانسه به پایان رسید. اکنون رفت و آمد عادی جریان دارد. در هفته پیش، صد ها کامیون سنگین، بزرگ راه های جنوب شرقی فرانسه را، در منطقه شهر لیون و کوه های آلپ اشغال کردند و از حرکت هرگونه خودروئی مانع به عمل آوردند. بهانه این عمل، ظاهراً اعتصاب گمرکچیان ایتالیائی و سپس فرانسوی بود که چند صد کامیون را در دوسوی مرز متوقف کرده بود. سپس رانندگان دیگر هم به این اقدامات اعتراضی پیوستند و خواستهای خود را مطرح کردند. این خواستها مبهم و نامعین بود، ولی پشت سر آنها حسابهای روشن سیاسی قرار داشت.

شارل فیترمان، وزیر حمل و نقل فرانسه و از رهبران حزب کمونیست که همین چندی پیش مورد حملات و قبحانه سفیر آمریکا در پاریس قرار گرفت، آماج اصلی این جنبش اعتراضی ظاهرآ "خود به خودی" بود. روزنامه "اومانیتیه" ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه نوشت:

"سازمان دهندگان این هرج و مرج خطرناک، خواه ناخواه به سود آن کسانی عمل می کنند که می‌کوشند اوضاع کشور را بی ثبات نمایند."

این روزنامه می‌افزاید:

"رانندگان که توسط واپس گرایان ضد اجتماعی کامیون دار مورد بهره کشی قرار می‌گیرند، از این گونه اعمال، هیچ سودی نخواهند برد." مطبوعات دست راستی فرانسه تلاش کردند از فلج شدن حمل و نقل و راهها و ناراضی صدها هزار فرانسوی که نمی‌توانستند از اتومبیل های خود استفاده کنند بهره برداری سوء به عمل آورند و حملات دد منشانهای را علیه وزیر حمل و نقل که عضو هیأت سیاسی حزب کمونیست است سازمان دهند. ارتجاع امپریالیستی می‌خواست جریانی، شبیه خرابکاری کامیون داران علیه دولت سالوادور آلینده در شیلی، در فرانسه به راه بیندازد. ولی پس از آن آشکار شد که فرانسه شیلی نیست!

گلوله باران جویانهای پیر

"جان لمن" وزیر نیروی دریائی آمریکا، ضمن توجیه جنایات دهشتناک امپریالیسم آمریکا در سرزمین رنج کشیده لبنان اخیراً چنین گفت: "هنگامی که به یک منطقه تیراندازی می‌کنید نمی‌توانید تضمین نمائید که اهالی غیر نظامی

کشته نشوند، نمی‌توانید مطمئن باشید که پیر روی تپه‌ها مورد اصابت قرار نمی‌گیرد. وزیر نیروی دریائی آمریکا افزود که "با آتش توپخانه خود نیروهای مسلح را مورد حمایت قرار می‌دهیم". بیست و چهار ساعت پیش از این او و این بزرگترین دفاع گفته بود که: "هدف از گلوله باران های ما پشتی هیچ گروه و یا واحد ارتش لبنان نیست" کاخ سفید هم در این ماجحه شرکت کرد و، شد که این تیراندازی‌ها به منظور دفاع از داران دریائی آمریکا صورت می‌گیرد.

والفجرء

بقیه از صفحه ۵
امپریالیستی "سران حاکمیت ج.ا. می‌نویس علی‌رغم این سخنان به نظر نمی‌رسد که آنها امیدوارند هر چه بیشتر آمریکا را جلب کنند. آیا میلیو دلار اسلحه و وسایل نظامی‌ای که سران ج به طور کم و بیش غیر مستقیم از واشنگتن دریافت می‌کنند، از جان میهن دوستانی که زیر دست جلادان حاکمیت قرار دارند بیشتر ارزش نندارد در دهمه‌های زندانهای ایران، تعداد بیشماری از زندانیان سیاسی در خطر مرگ به سر می‌برند. برای از بین بردن این خط هیستنگی هرچه بیشتر ما اهمیت حیاتی دارد نجات این زندانیان برای کشور غرقه به خ ایران، نوید یک طلوع واقعی است. به کمک آن است که اوضاع تخفیر می‌کند. همان گونه که روزه در پیام خود آن را بیان کرد.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در بوخوم (آلمان فدرال) هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

رفیق مسافر ۹۰ مارك

RAHE TUDEH

No. 82

Friday, 2 Mars 84

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	DM Italy	600	L.
France	3	Fr. U.S.A.	50 Cts.
Austria	8	Sch. Sweden	3 Skr.

